

ابوذر انقلاب

(سیری در زندگی و مبارزات

آیت الله سید محمود طالقانی)



www.ketab.ir

سرشناسه: محتشمی پور، سعیده، ۱۳۵۵-

عنوان و نام پدیدآور: ابوذر انقلاب (سیری در زندگی و مبارزات آیت‌الله سید محمود طالقانی /

تألیف سعیده محتشمی پور

مشخصات نشر: تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹-

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص-

فروستد: مرکز اسناد انقلاب اسلامی: ۷۴۶ دانستیهای انقلاب اسلامی

برای جوانان: ۹۸-

شابک: ۲۲۰۰۰ ریال: ۴۹۵۵۵-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه

موضوع: طالقانی، سید محمود- ۱۳۸۹- ۱۳۵۸-

موضوع: مجتهدان و علما- ایران- سرگذشتنامه

موضوع: ایران- تاریخ- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷- روحانیت

موضوع: ایران- تاریخ- پهلوی، ۱۳۰۴- ۱۳۲۰ ز

شناسه افزوده: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

ردمبندی کنگره: DSR ۱۵۶۸/ط۲۶-۳ ۱۳۸۹

ردمبندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳-۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۶۲۸۴۰



انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: ابوذر انقلاب (سیری در زندگی و مبارزات ایت الله سید محمود طالقانی)

تالیف: سعیده سادات محتشمی پور

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۵۰۰ قیمت: ۲۲۰۰ تومان

حروفچینی و لیتوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۴۹۵-۵

ISBN: 978-964-419-495-5

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پمپ بنزین

اسدی، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶

تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irde.ir

این اثر

یکی از موضوعات طرح

«تاریخ انقلاب اسلامی به زبان ساده»

است که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی تحت عنوان

«دانستنی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان»

تهیه شده و کلیه حقوق آن برای مرکز

محفوظ می‌باشد.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

مقدمه ۹

پیشگفتار ۱۱

فصل اول: دوران کودکی و تحصیلات ۱۳

فصل دوم: آغاز زندگی سیاسی ۳۷

فصل سوم: طالقانی و گروه‌های سیاسی ۴۷

فصل چهارم: سال‌های زندان و اسارت ۷۷

فصل پنجم: طالقانی و مسئله‌ی فلسطین ۱۰۹

فصل ششم: طالقانی و امام خمینی (ره) ۱۲۱

فصل هفتم: شورا از دیدگاه طالقانی ۱۲۹

فصل هشتم: طالقانی، احیاکننده‌ی نماز جمعه ۱۴۵

فصل نهم: آثار و تألیفات طالقانی ۱۵۱

فصل دهم: طالقانی و قرآن ۱۶۷

فصل یازدهم: بزرگان و طالقانی ۱۷۷

فصل دوازدهم: وداع امت با پدر ۱۹۷

کتابنامه ۲۲۷

مقدمه

«پدر» اولین عبارتی است که با ذکر و یادِ نامش به ذهن تداعی می‌شود. «پدر» مظهرِ عطوفت و رحمت است برای فرزندان و مربیِ آداب و اخلاق؛ سلام و صلوات بندگان خدا به پدرِ فرزندِ صالح و دستگیرِ خلق است و نفرین‌شان بر پدرِ فرزندانِ زشت‌کردار، اما امان از فرزندانِ ناخلف که از فضل پدر، آنان را هیچ حاصلی نبوده و نیست.

آیت‌الله سید محمود طالقانی (علیه رحمت‌الله و برکاته)، «پدر» بود برای این امت؛ امتی که به صلاح و فلاح رسید... جشنِ پیروزیِ انقلابِ اسلامی و استنشاقِ درِ هوایِ جمهوریِ اسلامی، به ثمر رسیدنِ نسلیِ صالح را موجب شد و سلام و صلوات را نثارِ «پدرِ طالقانی» کرد. بچه‌هایِ مجاهدش اما ناخلف از آب درآمدند! آیت‌الله طالقانی با همه‌ی مبارزانِ علیه جور و ستم

محمدرضا شاهی همراهی داشت و برای همه‌شان مرشد و مربی بود؛ همین بود که شد «پدر»، اما نشان داد که مبارزه وسیله‌ای است برای تاباندن پرتوهای نورانی قرآن بر جامعه. و چون هدف عظیمش را در کلام امام خمینی دید، در این راه سنگلاخ و پرفراز و نشیب با او رهسپار شد. اول نشیب، بی‌شک، ناخلفی فرزندان مجاهدش بود که با دوستان ناباب و تفکری بی‌خدا همراه شده و از قله‌های مجاهدت خلق خدا به دره‌ی نفاق سقوط کردند. «پدر» خون دل خورد، محبت کرد و جفا را نادیده گرفت. اثر پیش رو، شرحی است بر زندگی مجاهد نستوه، ابوذر زمان و پدر امت آیت‌الله طالقانی که تقدیمی است به امتش و نسل صالح پدری بزرگ.

با تشکر از تلاش‌های نویسنده‌ی محترم سرکار خانم سعیده سادات محتشمی‌پور، از زحمات آقایان مهدی قیصری و مهدی حق‌بین کارشناس و مدیر گروه هنر، دکتر رشید جعفرپور مدیر بخش ادبیات، دکتر اکبر اشرفی معاون پژوهشی و همکاران محترم در معاونت انتشارات قدردانی می‌شود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیشگفتار

تقدیم به شهیدان راه آزادی
به آنان که ایستاده می‌میرند
و در آن بی‌تعلق‌ترین ثانیه‌های زندگی‌شان
تکبیر حقیقت بر زبان‌شان جاریست...

چه خیال باطلی است اگر کسی بیندیشد قصه‌ی مردان
انقلاب تمام‌شدنی است؟!!

«اول از جا کنده شدید، بعد به نشاط رسیدید و حالا
می‌روید که در کار خود اندیشه کنید و راه دیگری را
بجویند. آن راه چیست؟ همان راه توحید است، همان راه
انبیا و اولیا».

در طول نگارش کتاب سه بار به‌سختی بیمار شدم؛ در
میان تب و درد یادم نمی‌آید کجا خواندم:

... روزی تن خسته‌ی او را به بند عمومی آوردند.

لبخندی زد و گفت: این است تفسیر عینی «النازعات».

نیمه شب است؛ صدای باران یک لحظه هم قطع نمی‌شود. پرده را کنار می‌زنم و به آسمان بغض‌دار نگاه می‌کنم. نزدیک اذان صبح است. یاد آخرین کلام مولا علی (ع) پس از ضربت خوردن می‌افتم:

«شما را وداع می‌گویم، وداع کسی که آماده‌ی دیدار است و دیدارش با پروردگار است. فردا که جای من خالی ماند، و دیگری بر آن نشست، راز درونم را خواهید دانست و اینکه چه کسی را از دست داده‌اید».

قرآن را برمی‌دارم. به یاد لحظات تنهایی «پدر» در سلول‌های نم‌دار و تاریک زندان، می‌خوانم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ النَّازِعَاتِ غَرَقًا، وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا، وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا، فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا...

از دوردست و از عمق شب صدای اذان می‌آید... و باران همچنان به شیشه‌ی پنجره می‌کوبد...

سعیده سادات محتشمی‌پور